

تندروها به خاتمی به عنوان شخصیتی که یکی از محبوب‌ترین‌هاست، می‌تازند

آیت‌الله موسوی‌خوئینی‌ها در یادداشتی
درباره انتخابات مطرح کرد

چرا کار انتخابات به اینجا کشید؟

گروه سیاسی | «آیا میشود از مشارکت ادعایی
۴۰ درصدی (با احتساب آرای باطله) ابراز
خشنودی کرد؟» این پرسشی است که آیت‌الله
موسوی‌خوئینی‌ها با طرح آن در یادداشتی
درباره انتخابات اسفند 1402 تلاش می‌کند به
بخشی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کشور
اشاره کند.

او همچنین به برخی افراد و جریان‌ها اشاره
می‌کند که کاهش مشارکت مردم در انتخابات را
مطلوب ارزیابی کرده و رضایت از نتایج
انتخابات اخیر را به معنای تقویت و تایید
همین برداشت معنا می‌کنند.

آیت‌الله سیدمحمد موسوی‌خوئینی‌ها می‌نویسد:
برگزارکنندگان این انتخابات و انتخابات قبل

و آنها که در این دو دوره سر برآوردند گویا برای خودشان سهمی در پیدایش وضع اسفناك کنونی قائل نیستند؛ شاید هم این وضع را آنچنان اسفناك نمی‌دانند. احتمال دارد عامل تنگناهاي طاقت‌فرساي کنونی را خیل عظیم مردمی بدانند که در انتخابات شرکت نکردند. متن کامل یادداشت آیت‌الله‌خوئینی‌ها در پی می‌آید:

بسم الله الرحمن الرحيم

انتخاباتِ یازدهم اسفند برگزار شد و آمارها و تحلیل‌ها میزان مشارکت را ۳۰ تا ۴۱ درصدِ واجدین شرایط رای تخمین زدند. این میزان مشارکت بسیار کمتر از حدی است که برگزارکنندگان انتخابات انتظار داشتند؛ آنان به مشارکتی ۶۰ درصدی و چه بسا بیشتر فکر می‌کردند.

پس از انتخابات، عده‌ای با ابراز خوشحالی از همین میزان مشارکت، آن را نشانه شکست دشمن و مُشتی محکم بر دهان بدخواهانی دانستند که مشارکتی کمتر از این را پیش‌بینی می‌کردند. بسیاری هم پیش از انتخابات برای مشارکت حداکثري تلاش کردند و تمام امکانات و ابزار تبلیغاتی را برای رسیدن به این آرزو به کار بستند و البته خیلی زود متوجه ناکامی خود در این کارزار شدند. این عده که طرفداران شیوه حکمرانی کنونی‌اند، در ادامه آنچه جهاد

می‌پندارند، به جست‌وجوی علل این ناکامی پرداخته‌اند، اما متأسفانه به راهی می‌روند که آنان را به کشف و درک علل واقعی نمی‌رساند، بلکه مشکلات این شیوه حکمرانی ناکارآمد را دوچندان می‌سازد.

این گروه تبلیغات دشمنان خارجی را یکی از علل عدم مشارکت حداکثری معرفی می‌کنند و به اکثریت مردم این سرزمین که در انتخابات شرکت نکردند، تهمت همراهی با بدخواهان مَلُک و ملت و دین می‌زنند و گویی توجه ندارند که با این کار به ده‌ها میلیون شهروندی توهین می‌کنند که در میان‌شان دانشمندان، فرهیختگان، اساتید و دانشجویان حوزه و دانشگاه، متخصصان دانش و فن، پزشکان، مهندسان، صاحبان حرفه‌ها و مشاغل، تجار و تولیدکنندگان و... نیز حضور دارند و همین علت‌یابی‌های دستوری و اهان‌ت‌آمیز است که سبب فاصله بیش از پیش مردم با این شیوه حکمرانی می‌شود. با این‌گونه تحلیل‌ها و این قبیل تبیین موضوعات و مسائل کشور و از آن جمله انتخابات، آیا اکثریت مردم حق ندارند بگویند کسانی که بر سرنوشت ما و کشور ما و هویت ملی و دینی ما حکم می‌رانند، به جای قبولی ناکارآمدی خود در حکمرانی، ما را فریب‌خورده می‌خوانند و پروای اهانت هم ندارند؟! عده‌ای از شدت و گستردگی تبلیغات

دشمنان علیه انتخابات سخن می‌گویند ولی با توجه به انبوه تبلیغاتی که برگزارکنندگان انتخابات و طرفدارانشان، به ویژه از طریق صداوسیما، برای توجیه و اقناع مردم به کار بستند - آنقدر زیاد که شاید گوی سبقت را از تمام انتخابات‌های پس از انقلاب اسلامی ربوده باشد - شایسته است که عدم مشارکت را به حساب هوشمندی مردم ایران بگذارند، نه به حساب تبلیغات دشمنان. یادآوری این نکته شاید مقبول افتد که تأمل برای فهم درست امور، بهتر از توهین به دیگران است.

آیا میشود از مشارکت ادعایی ۴۰ درصدی (با احتساب آرای باطله) ابراز خشنودی کرد و همین میزان مشارکت را برای همان دشمنان خارجی مایه شرمساری شمرد؟ بسیاری از منتقدان معتقدند که گردانندگان امور به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت هرچه کمتر باشد، مطلوب‌تر است؛ آیا رضایت از نتایج انتخابات اخیر به معنای تقویت و تایید همین برداشت نیست؟ البته تصور اینکه، در دنیای هوش مصنوعی، اداره‌کنندگان کشور چنین رویکردی داشته باشند سخت و تلخ است و بر نگرانی‌ها نسبت به آینده می‌افزاید!

برگزارکنندگان این انتخابات و انتخابات قبل و آنها که در این دو دوره سر برآوردند گویا برای خودشان سهمی در پیدایش وضع اسفناک

کنوني قائل نيستند؛ شايد هم اين وضع را آنچنان اسفناك نميدانند. احتمال دارد عامل تنگناهاي طاقت‌فرساي کونوي را خيل عظيم مردمی بدانند که در انتخابات شرکت نکردند. از نظر کسانی که همواره سخن از انقلاب و ضدانقلاب مي‌گویند، گویا مردمی که پای صندوق آمدند و رای دادند (ولو رای باطله)، طرفدار انقلاب و بلکه انقلابی‌اند و از این منظر لابد آن ۶۰ درصد که پای صندوق نیامدند، ضدانقلاب‌اند.

صاحبان این نگاه فراموش کرده‌اند که انقلاب، با حضور اکثریت قاطع مردم ایران به پیروزی رسید و اقلیتی که همراه نشدند، راه افول و زوال پیمودند.

راستی چه کسانی بیشترین خسارت‌ها را به ارزشهای متعالی ملی و دینی وارد می‌کنند؟ مدیران و حامیان وضع طاقت‌فرسای امروز، برای پیشبرد امور در اداره کشور، به جای کاربست ساز و کارهای علمی و عقلانی، دین و مقدسات و معنویات را هزینه می‌کنند و در همین انتخابات، کسانی را که پای صندوق رای حاضر نشدند، به انحراف از راه خدا و علمای اسلام و امام خمینی (رض) متهم کردند.

آیا آنها توجه ندارند که با این قبیل سخنان چه خسارتی به ارزشهای معنوی يك ملت وارد می‌کنند؟ از اعتبار عالی‌ترین مقام این نظام،

مراجع تقلید و حضرت امام (قدس سره) هزینه کردند و دستاورد آن، مشارکتی است که هنوز حاضر نشده‌اند آمار آن را به تفصیل و تفکیک آرای معتبر از غیرمعتبر منتشر کنند و نمی‌دانند با بی‌اعتنایی به توصیه‌های حضرت امام در امر حکمرانی و اداره امور مردم و در انتخابات‌ها چه خسارتی به این ارزش‌ها وارد کرده‌اند.

از قدیم گفته‌اند انصاف چیز خوبی است، حتی اندکی از آن؛ اکنون بفرمایند چه کسانی بیشترین خسارت‌ها را به ارزش‌های متعالی ملی و دینی وارد کرده‌اند، کسانی که با عملکردشان بیش از ۶۰ درصد مردم را از دست داده‌اند و برای به دست آوردن کمتر از ۴۰ درصد تمام مقدسات و ارزش‌های ملی و معنوی را هزینه می‌کنند؟

البته خوب و مفید است این را هم بدانند که آن اکثریت و کسانی که با آنان همراهی کردند در حقیقت به این‌گونه رفتار با مقدسات و ارزش‌ها و استفاده ابزاری از آنها بی‌اعتنایی کردند و نه به توصیه‌های حضرت امام. آنان به این نوع رفتار با مقدساتشان بی‌اعتنایی کردند؛ امام و دیگر ارزش‌های معنوی این ملت برای آن نیست که عده‌ای با ندانم‌کاری‌ها و با زیر پا گذاشتن تمام دستاوردهای علمی و انسانی، اکثریت مردم را از خود دور کنند و

سپس برای جبران ناکامی‌ها، مقدسات و ارزش‌های معنوی را که سرمایه‌های تاریخی يك ملت است، هزینه کنند.

کسانی که میوه درخت رنجور انتخابات را چیده‌اند و از کشته خویش ناخرسندند و نمی‌خواهند بدانند که چه کرده‌اند و چه می‌کنند که کار انتخابات به اینجا کشیده شده و مهم‌تر از آن چرا کار مَلْک و ملت و دین به اینجا رسیده است، گریبان کسانی را گرفته‌اند که با اکثریت همراهی و همدلی کرده‌اند، گویی می‌خواهند دست به هر کاری بزنند تا فاصله خود را با اکثریت که در امر حکمرانی، آرای آنان مُتَّبِع است، بیشتر کنند.

یکی از این کارها رفتاری است که نسبت به شخصیتی مانند جناب آقای خاتمی در پیش گرفتند، شخصیتی که در انتخابات سال ۱۳۷۶ ابر و باد و مه و خورشید و فلک را به کار گرفتند تا مردم به او رای ندهند، ولی اکثریت قاطع رای‌دهندگان او را انتخاب کردند.

در دوران ریاست‌جمهوری او به جای آنکه حرمت انتخاب مردم را نگه دارند، هر از چندی مانعی بر سر راهش ایجاد کردند و البته با همه آن کارشکنی‌ها، طبق آمار، موفقیت‌های او از آن پس تکرار نشده است.

اما همان کسانی که نعمت‌ها و فرصت‌های الهی را

قدر ندانستند، آنقدر بر شیوه‌های مدیریت و حکمرانی خود که صرفاً براساس آرزوهایشان و بدون توجه به ظرفیتها و بدون درک عنصر زمان و مکان بود، پافشاری کردند که امروز باید با اقلیتی در حد ۳۰ درصد یا کمی بیشتر از آن، تظاهر به خرسندی کنند.

آنها باز هم بر شخصیتی که اگر امروز محبوب‌ترین نباشد دستکم یکی از محبوب‌ترین‌هاست، می‌تازند و نکته‌ای که از آن غافلند، این است که از این رفتار دور از انصاف و آداب انسانی با خاتمی، چه کسی زیان می‌کند.

سال‌هاست که محدودیت‌های خبری و غیرخبری بر جناب آقای خاتمی اعمال می‌شود و بدگویانش از هیچ زشت‌گویی‌ای فروگذار نمی‌کنند و تنها عرض خود می‌برند و راست این است که آن که زیان می‌بیند نه خاتمی که کسانی‌اند که بر شیوه نادرست مدیریتشان بر کشور اصرار می‌ورزند و خودشان و مردم را گرفتار مشکلات روزافزون کرده‌اند و بدین‌ترتیب از همان سیواندی‌درصد هوادار خود نیز می‌کاهند.

ای کاش بدانند که در امر حکمرانی، پیروزی سرانجام با اکثریت است.

از خدای متعال مسئلت داریم که همه، به‌ویژه هم‌میهنان گرامی، ماه مبارک رمضان را با رضایت او به پایان برسانند. همه در این ماه

از خدا بخواهیم که مَلِك و مَلَّت و دین را از
خطرها محفوظ بدارد.

م: ۰۰۰۰ : ۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰ 28 ۰۰۰۰۰۰ 1402 ۰۰۰۰۰۰۰